واکاوی نقش و تاثیر مذهب تشیع در شکل گیری انقلاب اسلامی

۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۴۳

تشیع نیز به عنوان یک مذهب مطرح و شناخته شده که پیروان قابل توجهی در جهان دارد، دارای نظریه ها، آموزه ها، مفاهیم و نهادهایی است که می توان مجموعه آنها را خصوصیات و ویژگیهای این مذهب نام نهاد. بسیاری از این ویژگیها مثل امامت، عدالت، غیبت و انتظار، اجتهاد، شهادت، تولی و تبری، جهاد، تقیه و امر به معروف و نهی از منکر در پیروزی انقلاب اسلامی نقش آفرین و تاثیرگذار بودند.

جوان و تاریخ- مقالات

الف) مقدمه

تحولات هر جامعه از اندیشه ها و اعتقادات حاکم بر آن جامعه نشات می گیرد. بنابراین برای بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی یک جامعه در یک مقطع زمانی خاص ، باید به بررسی اندیشه ها و اعتقادات مورد قبول مردم آن جامعه پرداخته شود.[۱]بنابراین فهم انقلاب اسلامی نیز که اساساً هویتی دینی دارد بدون شناخت ایدئولوژی تشیع که درواقع نقش ایدئولوژی انقلاب را ایفاء کرده است میسر نخواهد بود. به طور خاص نوع نگرش و رفتار شیعه با سیاست و قدرت سیاسی که تحت تاثیر مبادی نظری ، عقاید و باورها و سنتهای شیعه در متن تاریخ و حیات جمعی شیعیان شکل گرفته و تعیین کننده الگوهای کنش و رفتار سیاسی آن در پذیرش و یا نفی حکومتهاست باید مورد توجه قرار گیرد.[۲]

تشیع نیز به عنوان یک مذهب مطرح و شناخته شده که پیروان قابل توجهی در جهان دارد، دارای نظریه ها، آموزه ها، مفاهیم و نهادهایی است که می توان مجموعه آنها را خصوصیات و ویژگیهای این مذهب نام نهاد. بسیاری از این ویژگیها مثل امامت، عدالت، غیبت و انتظار، اجتهاد، شهادت، تولی و تبری، جهاد، تقیه و امر به معروف و نهی از منکر در پیروزی انقلاب اسلامی نقش آفرین و تاثیرگذار بودند.[۳]برای نمونه اصل امامت و اعتقاد شیعیان به امام عادل و معصوم در درون خود روحیه ای انقلابی را از طریق نامشروع دانستن حکومتهای غیرمعصوم در زمان معصوم و غاصبانه بودن حکومتهای غیرمردمی در دوران غیبت می پروراند.[۴]بنابراین امامت بر مبنای وصایت و نصب بنیان نهاده شده است و اصلی که از آن نشات می گیرد نفی و غیرمشروع بودن سایر حکومتها؛ موجب تداوم روحیه انقلابی و امادگی نسبی شیعیان برای انقلاب در طول تاریخ و نیز در جریان انقلاب اسلامی شده است.[۵]

شهادت نیز یکی دیگر از عاصر مهم و اصلی در ایجاد روحیه انقلابی است. در تشیع مظهر و الگوی تمام عیار این اصل همانا شهادت امام حسین(ع) است. شیعیان، امام حسین را مظهر یک پرچم سرخ در حال اهتزار به عنوان ا استمرار نبرد حق و باطل ، گرفته شدن انتقام خون اهل حق از باطل، اسوه ظلم ستیزی و نپذیرفتن حکومت غاصبان تلقی می کنند.[۶]

بنابراین شهادت قوی ترین نیروی محرکه برای عمل سیاسی به شمار می رود و به تعبیر دکتر «الوردی» مورخ و نویسنده عرب، پیوسته شیعه را به صورت یک آتشفشان خاموش درآورده است.[۷]همچنین اصل اجتهاد نیز بسترمناسبی برای تقویت روحیه مبارزه و انقلابی گری در میان شیعیان به ویژه در دوران معاصر فراهم ساخته است. درواقع جهاد با همه ابعاد و شرایط آن از مولفه های اساسی فرهنگ سیاسی شیعه به شمار می رود.[۸]در در مجموع باید گفت که پتانسیل درونی اسلام شیعی و وجود عواملی در داخل این مذهب امکان ارائه تفسیر مکتبی از آن را ممکن ساخته است و از سوی دیگر برخی اقبال به قرائت و زمینه های نظام مند شدن آن را آسان کرده است. از جمله اعتقاد به عدالت اجتماعی و امامت انسان صالح، تاثیر سیره و زندگی ائمه شیعه بر حیات روزمره جامعه ایران، توانایی بالقوه باز تفسیر یا تفسیر ایدئولوژیک مفاهیمی مانند تقیه، شهادت، غیبت، انتظار و مهدویت و منجی گرایی و امکان انتقال تفسیر مکتبی این مفاهیم به پیروان و آسان کردن روند پذیرش آنها با شکل گیری عامل اجتهاد در فرایند پیروزی مکتب اصولیان بر اخباریان که بر تقلید از مجتهد زنده تاکید دارد.[۹]

در روند بسیج منجر به انقلاب اسلامی نیز مکتب تشیع توانست با کارکردهای معمول یک ایدئولوژی را به نحو مطلوب انجام دهد؛ یعنی در انتقال آگاهی سیاسی برای صفآرایی، نقد ترتیبات اجتماعی موجود، برای زیر سوال بردن وضع موجود، ارائه مجموعه جدیدی از ارزشها، طرح کلی جامعه مطلوب، معرفی برنامه های عملی برای رسیدن به اهداف در جهت ویرانی وضع موجود و ایجاد نهادهای نوین، ایجاد روحیه فداکاری و شکیبایی که لازمه اقدام سیاسی در بسیج است، ایجاد اعتماد به نفس و تعهد به اقدام عملی و سرانجام موفقیت در توجیه پیروان خود مبنی بر اینکه بر حقانیت و عقلانیت مبتنی است، موفق شد و این مهم، یعنی موفقیت در انجام کارکردهای معمول ایدئولوژی در روند انقلاب به شکلی مطلوب به نظام مند شدن آن انجامید.[۱۰]

ب) روحانیت شیعی ؛ بازیگر بلامنازع تحولات انقلاب اسلامی

علمای شیعی در فروپاشی رژیم شاهنشاهی و به ثمر نشتن انقلاب اسلامی نقش و جایگاهی ویژه داشتند . از یک طرف در جریان مبارزات پیش از انقلاب، علمای شیعه و مراجع تقلید به میدان مخالفت و مقابله با رژیم پهلوی وارد شدند و از طرف دیگر انگیزه های مذهبی لازم را برای مبارزه ای فراگیر در اختیار مردم و
توده های مذهبی جامعه ایران قرار دادند. باید اشاره شود که عالمان شیعه در طول تاریخ در نظریه های سیاسی خود حکومتهای موجود را مشروع ندانسته و همواره از آنها با عنوان غاصب یاد کرده اند. زیرا وجود امامت در اصول تشیع، باعث می شود قاطبه علما در عمل هیچ جایگزینی را برنتابند.[۱۱]این گونه است که علمای شیعه تلاش کرده اند در جایگاه حافظان چنین میراثی، مبارزه ای منفی را سامان بخشند که مهم ترین دستاورد آن حل نشدن تشیع در حکومتهای گوناگون تاریخ سیاسی ایران است؛ تا جایی که حتی در دوران حکومتهای شیعی مذهب نیز می توان در جامعه حضور یک مرکز تصمیم گیری موازی و غیر رسمی را با پیشوایی روحانیون تشخیص داد. مفهومی به نام «ولایت فقها» که پیشینه ای طولانی در میان عالمان شیعی دارد نیز در حقیقت برآمده از تفکری است که در این حکومت موازی می خواهد در حد امکان حضور امامت را تداوم بخشد؛ خواه آن زمان که در افکار برخی از علما فقط شامل یک ولایت شرعیه و اقامه حدود شرعی بود که همان نیز عملاً مردم را برای حل دعاویشان از رجوع به حکام جور باز می داشت و خواه آن زمانی که نزد برخی دیگر از علماء تا مرتبه ولایت سیاسی علما و تشکیل حکومت مذهبی نیز رسید.[۱۲]

از دیدگاه سیاسی نیز رهبران شیعی در ایران درواقع اولین پایگاه جامعه مدنی و اولین ضد قدرت (در برابر قدرت دولت] و بیدارترین قشر جامعه بودند . نیکی کدی می نویسد: «علما تا جنگ جهانی او،لآگاه ترین و مستقل ترین نیروی غیردولتی در ایران بودند و تقویت قدرت روحانیون و بیداری آنها پیامدهای سیاسی چشمگیری در پی داشت.»[۱۳]

قبل از وقوع انقلاب اسلامی در اتفاقات متعددی که در تاریخ معاصر ایران رخ داده بود، علمای شیعی توانسته بودند به نقش آفرینی بپردازند؛ به طوری که وقایع تاریخی مهمی نظیر جنبش تنباکو، نهضت مشروطیت ، واقعه مسجد گوهرشاد، نهضت ملی شدن صنعت نفت و ... با حضور و اثربخشی یک یا چند روحانی برجسته همراه بوده است. در دهه های پایانی رژیم پهلوی نیز با وجود نارضایتیهای فراوانی که از حکومت محمدرضاشاه در میان همه روحانیون و مراجع به وجود آمده بود؛ بی تردید نقش اصلی را امام خیمنی(ره) ایفاء نمود . از این دیدگاه تفاوت امام خمینی(ره) با دیگران در این بود که او تلاشهای خود را در قالب یک نظریه سیاسی مشخص و مدون و برای تشکیل یک نظام جدید ساماندهی کرد، در حالی که سایر علمای مبارز صرفاً می خواستند حکومت رویه ی غیر اسلامی خود را تغییر دهد. بنابراین انها به فکر تاسیس یک حکومت جدیدی نبودند یا دست کم نظریه ای درباه ایجاد یک حکومت جایگزین ارائه نکردند. تلاشهای نظریه پردازان اصلی انقلاب از جمله آیت الله طالقانی، شهید مطهری ، منتظری و بهشتی تنها به ارائه تصویر متفاوتی از اسلام مکتبی و ایدئولوژیک منجر شد . جذابیت امام خمینی(ره) نزد شاگردانش در این بود که به قول هاشمی رفسنجانی مجموعه فقه، فلسفه، عرفان و اخلاق را در زمینه و ظرف مستعدی ریخته و از آن معجونی ساخته شد که آن معجون امام (ره) بود.[۱۴]او در مقام شخصیت سیاسی، انسانی صادق، خطر پذیر، شجاع، سرسخت و دارای اعتماد به نفس و عزت نفس استثنایی بود.[۱۵]

در چننی شرایطی بهره برداری از اختلاف نظرهای موجود میان عالمان شیعی و مراجع تقلید به تنها امید حکومت تبدیل شد به خصوص مواضع متفاوت آیت الله شریعتمداری که دست کم تا وقوع نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ قم مخالفت خود را با هرگونه طرح تند و انقلابی و علیه حکومت پنهان نمی کردند؛ باعث شد تا از طرف حکومت به عنوان مرجعی غیرانقلابی و مخالف با جریان مبارزت مذهبی شناخته شود. در عمل این نقشه حکومت برای ایجاد تفرقه و تضعیف نقش رهبری امام خمینی نقش برآب شد و بر اثر اتفاقاتی چون وقوع نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶ و چاپ مقاله ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» که به قلم فردی با نام مستعار احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شد؛ نوعی همدلی و همنوایی در میان علمای طراز اول شکل گرفت و تقریبا همه مراجع تقلید رهبری امام خمین را پذیرفتند و اختلاف نظرهای فقهی را به این قضیه ارتباط ندادند. [۱۶]

فرجام سخن

می توان چنین اظهار نظر کرد که رویارویی آرمانهای خودخواهانه حکومت پهلوی با سنتها و باورهای مذهبی جامعه ایران به ویژه پس از مرداد ۱۳۳۲ سرانجام روحانیون را به میدان مقابله با حاکمیت سیاسی موجود وارد ساخت. عالمان مذهبی دراین مسیر توانستند ضمن دستیابی به یک همنوایی درونی و رهبری واحد ارتباطی کارآمد با مجموعه جریانهای سیاسی مخالف برقرار کنند و با تکیه بر جایگاه سنتی خود به پیشوایی یک جنبش مذهبی در ایران دست بافتند و فرایند مخالفت های موجود در جامعه را به مرحله انقلاب اسلامی رساندند.

پی نوشتها:

[۱]محمد مسجد جامعی (۱۳۶۱)،«ایدئولوژی و انقلاب»، بی جا، بی نا، ص ۴۴

[۲]نفیسه فاضلی نیا (۱۳۸۶)، «ژئوپلتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی»، قم: موسسه شیعه شناسی ، ص ۵۷

[۳]نفیسه فاضلی نیا، همان، صص ۶۸-۶۲

[۴]روح الله حسینیان (۱۳۸۰)،«تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حووزه علمیه(مقدمه ای بر تاریخ انقلاب اسلامی)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ص ۱۴

[۵]همان، ص ۱۸

[۶]حمزه امرایی(۱۳۸۳) ، «انقلاب اسلامی ایران و جنبشهای اسلامی معاصر»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ص ۳۵

[۷]یدالله هنری لطیف پور(۱۳۷۹)، «فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۰

[۸]همان ص ۸۶

[۹]نفیسه فاضلی ، همان، ص ۶۰

[۱۰]حمید اخوان مفرد(۱۳۸۱)، « ایدئولوژی انقلاب ایران»، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ص ۱۳۳

[۱۱]سیدعباس احمدی (۱۳۹۰)، «ایران، انقلاب اسلامی و زئوپلتیک شیعه»، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ص ۱۳۱

[۱۲]فرهاد شیخ فرشی(۱۳۷۹)، «تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۳

[۱۳]سید عباس احمدی، همان، ص ۱۳۲

[۱۴]باقر معین و بهروز آفاق(۱۳۷۲)، «انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی»، تهران: انتشارات طرح نو، ص ۱۱۰

[۱۵]حسین حسینی(۱۳۸۱)، «رهبری و انقلاب ؛ نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی»، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ص ۱۱۹

[۱۶]سید عباس احمدی، همان، ص ۱۳۳

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۲۱۰۵۲/واکاوی-نقش-تاثیر-مذهب-تشیع-شکل-گیری-انقلاب-اسلامی